



۲۰۱۹/۰۴/۰۷



ملک الشعراء محمد نسیم اسپر

نومیدی!



به اقتفاء از «سیف فرغانه ئی»

دوری از وطن و گوشه تنهایی در غربت، بعضاً خاطراتی را در انسان زنده می سازد تا به حسرت آن صدایی بلند کند و به یاد آوری از آن خاطره ها خود را تسکین دهد.

اینک منظومه یی را که بیست و دو سال پیش در چنین حالتی سروده شده است به حیث تکرارحسن و یادی از آن روزگاران و خوبی هایی از دست رفته و فراموش ناشدنی تقدیم می کنم :

چمن را چراغان خواهیم یافت	دگر آن بهاران خواهیم یافت
درختی شکوفان خواهیم یافت	از آن باغ، برگی نخواهیم چید
گل و باغ و بُستان خواهیم یافت	به گلگشت صحرا خواهیم رفت
جم و جوش یاران خواهیم یافت	دگر بزم مستان خواهیم دید
به جز شهر ویران خواهیم یافت	گذاری گر افتد به کابل زمین
کسی شاد و خندان خواهیم یافت	چو گور سیاه است تاریک وتار
دگر توت پروان خواهیم یافت	دگر آب پغمان خواهیم خورد
دگر آن خیابان خواهیم یافت	چو طاووس اگر باز جولان کنیم
که میکرد احسان خواهیم یافت	رفیق شفیق، صداقت شعار
دگر آن دبستان خواهیم یافت	به آن قهر استاد و مهر پدر
دریغا، که انسان خواهیم یافت	دد و دیو چندی شده روی کار

ازین میزبانان درنده خوی
بُود پله قوم داری بلند
به فرمان قرآن عدالت کنند
گر این پیشتاز مسلمانی است
رئیس وزیرآمد و رفت، حیف
باین تُندگوئی، به کابل «اسیر»
توجه به مهمان نخواهیم یافت
توازن به میزان نخواهیم یافت
عدالت؟ به قرآن نخواهیم یافت
کسی را مسلمان نخواهیم یافت
که دوران سلطان نخواهیم یافت
ترا جزیه زندان نخواهیم یافت

م. نسیم «اسیر» فیروزی ۱۹۹۷م، بن المان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمایی شوند!



نو میدی
assir_nacim_naomidi.pdf